

املا

گزینش‌های املائی (۲)

ردیف	گروه	مثال‌ها (درست)	مثال‌ها (نادرست)	ملاحظات
۴	«ح» و «ه»	حاجب، محو، ملیج و ... هالک، نهج، ثیده و ...	هاجب، ... حالک، ...	حرف‌های «ح» و «ه» نماینده واج و صدای /ه/ هستند.
۵	«ذ» و «ز» و «ض» و «ظ»	ذره، بدل، لذیز زهره، رزق، رموز ضمیر، فضل، مریض ظرف، نظم، حفظ	زره، ضره، ... ذهره، ضره، ... ذمیر، زمیر، ... زرف، ذرف، ...	حرف‌های «ذ»، «ز»، «ض» و «ظ» همگی نماینده واج و صدای /ز/ هستند.
۶	«غ» و «ق»	غرب، لغو، بلوغ قرن، نقد، مشق	قرب، ... قرن، ...	حرف‌های «غ» و «ق» هر دو نماینده واج /غ/ هستند.

در این درس و درس املائی گذشته گروه‌های شش‌گانه را بررسی کردیم و دریافتیم که علاوه بر رعایت «بایدها» و «نبایدها» لازم است هر بار در بین این گروه‌ها به «انتخاب صحیح» نیز دست بزنیم. برای مثال کلمه «حاجب» و «هاجب» هر دو از نظر نوع خط و شکل حرف و نقطه به درستی نوشته شده‌اند اما باید «انتخاب» کرد و از بین آنها «حاجب» را برگزید نه «هاجب» را. «گزینش» زمانی دشوارتر می‌شود که هر دو یا چند شکل یک کلمه استقلال معنایی داشته باشند. برای مثال، تلفظ دو کلمه «قدر» و «غدر» یکسان است اما به دلیل آشنایی با این دو کلمه و معنی هر یک و نیز قرینه‌ها و شمّ زبانی، هر یک از این دو را در جمله‌های «قدر عمر را بدان» و «از غدر دشمن غافل مباش» به درستی می‌نویسیم.

فَعَالِيَّت

در مورد کلمات «شَبِيح و شَبِيه»، «زَمِين و ضَمِين» و «غَرِيب و قَرِيب» گفت و گو کنید.

علاوه بر گروه‌های شش گانه بالا که در مورد آنها به «انتخاب» و «گزینش» صحیح نیازمندیم، چند گروه فرعی نیز وجود دارند که به دو شکل نوشته می‌شوند و باید در درس املا شکل درست آنها را گزینش کنیم.
این گروه‌های فرعی عبارت‌اند از:

ردیف	گروه‌های فرعی	مثال	دو شکل املائی	گزینش درست	ملاحظات
۱	کلمات تنوین‌دار	كَلَّا، رَسْمًا	كَلَّا، كَلْن رَسْمًا، رَسْمِن	كَلَّا، رَسْمًا	نوشتن این قبیل کلمات با حرف «ن» همه جا نادرست است.
۲	کلمات شمارشی	هفت، دویست	هفت، ۷ دویست، ۲۰۰	هفت، دویست	در متن املا اعداد همیشه با حروف نوشته می‌شوند.
۳	کلمات اختصاری	صفحه، سطر	صفحه، ص سطر، س	صفحه، سطر	برای به کار بردن شکل اختصاری کلمه به یادآوری درس رجوع کنید.

یادآوری :

به کار بردن شکل اختصاری یک کلمه برای بار دوم به بعد در املا صحیح است.
به عنوان مثال برای بار اول می‌نویسیم: علی **عليه السلام** فرمود... و در صورت تکرار این کلمه در همان املا می‌نویسیم: علی (ع) فرمود...

فَعَالِيَّت

از متن درس‌های ۱۹ تا آخر کتاب‌های زبان و ادبیات (۲) املا بنویسید.

گروه کلمات برای املاي شماره چهار

غير حضوری و غياباً - تفهيم و تفاهم - معاینه دقیق - اذعان و اعتراف - ابدی و زوال ناپذیر - آشکار و بی نقاب - متملق و چاپلوس - متکبر و خودکامه - درنگ و تأخیر - سیمای صامت - عاج فیل - اثاث خانه - اساس و شالوده - استعمار فرهنگی - اطناب و درازگویی - ملموس و عینی - اثبات مدعا - از حیث حجم - ضرب الاجل - آماج ضربه - مرموز و اسرارآمیز - ملیح و دلپذیر - غدر و نیرنگ - شبح و سایه - ضمانت ضمین - قریب و نزدیک - غالب و چیره - ظهر ورقه - انعام و چاربايان - اثنا و میان - امارت و فرمانروایی - ضریح آرامگاه - نماز استیجاری - ماه ذی القعدة - عبا و قبا - شیخ الشریعه - اطفای آتش - کتاب های قطور - شرح و تفصیل - توهین و تمسخر - ضمایم و پیوست ها - عقیق و زمرد - بدایع و ظرایف - مقدس و با اُبّهت - طنین و آهنگ - طوقه زرین - عهدنامه اَلست - صاحب منشور لَعْمُرک - دارنده طغرای لولاک - علی الخصوص - قُدّام و جلو - متواضع و مهربان - بهار فرح انگیز - ترجمه تحت اللفظی - کلام فوق الذکر - ذلت و خواری.

ذوالنون مصری - زجر و سختی - مصادره اموال - سفرنامه ابن بطوطه - شهر طنجه - کتاب تحفة النُّظار - خادم سِماط - وعاظ و فُقها - نعمة مهیج - رُقعہ و نامه - اقتدا و پیروی - غواصان مروارید - بحرین و قطیف - استنشاق هوای تازه - قریه محقر - عظیم و غول آسا - از حیث غرابت و شگفتی - اهرام مصر - الف و هم نشینی - جرز دیوار - حجاری و سنگ تراشی - قرون و اعصار - وهله اول - شکل اسرارآمیز - موی مجعد - ذخایر و اندوخته ها - وزیر انطباعات - المآثر و الآثار - خاطرات اعتماد السلطنه - مطلع الشمس - خیرات حسان - حیوان عظیم الجثه - ذات ملکوتی صفات - حرز و دعا - ناظر دارالطبّاعه - بیک امین السلطان - تنبه و بیداری - کاخ صاحبقرانیه - زاغه گوسفندان - حوالی سرخه حصار - لغت غیر مصطلح - مشعوف و شادمان - اعظم و

بزرگان - ملتزمین رکاب - احتیاط و دوراندیشی - مرثیه‌های مذهبی - ترانه و تصنیف -
سعایت و سخن چینی - قصیدهٔ حبسیّه - زَلّت و لغزش - طالع منحوس - نامه و طومار -
ثناگر و ستاینده - حلاجی و تحلیل - تحت الشعاع علما - به رغم علاقه - زلزلهٔ طبس -
تأمل و استنباط - ساکت و منزوی - انعطاف خالصانه - تواضع مضاعف - فاجعهٔ
هولناک - طنین قاطع - قانعی و طامعی - اسلوب معادله - نکهت گل - رثای شهیدان .



خودآزمایی

(۱) برای هریک از کلمات لَذت، حُزن، فصل، صِغَر دو کلمهٔ هم‌خانواده بنویسید.

(۲) نشانه‌های اختصاری زیر را به صورت کامل بنویسید.

(ره)، «رض»، «ق.م.» و «ه.ش.»

جمله مرکب

الف) برادر شما موضوع را می‌دانست.

ب) برادر شما زود آمدن ما را می‌دانست.

پ) برادر شما می‌دانست که ما زود می‌آییم.

هر یک از نوشته‌های بالا یک جمله مستقل است اما چرا هیچ یک از نوشته‌های

زیر، جمله مستقل نیست؟

۱) برادر شما می‌دانست.

۲) برادر شما

۳) که ما زود می‌آییم.

۴) می‌دانست.

زیرا به هر یک از این نوشته‌ها باید جزء یا اجزائی بیفزاییم تا کاستی آنها

جبران گردد. پس، اینها خود، جزئی از یک واحد بزرگ‌ترند و واحد بزرگ‌تر این است :

برادر شما می‌دانست که ما زود می‌آییم. برادر شما زود آمدن ما را می‌دانست. در حالی که

جمله‌های الف، ب و پ به هیچ جزء دیگری نیاز ندارند؛ یعنی، در حقیقت جزئی از یک

واحد بزرگ‌تر نیستند. پس :

جمله مستقل یک ساخت زبانی است که جزئی از ساخت بزرگ‌تر نباشد.

جمله مستقل بزرگ‌ترین واحد زبان است.

اکنون، بار دیگر به سه جمله اول توجه کنید. همان‌طور که می‌بینید جمله الف و ب

هر کدام یک فعل دارد. جمله پ دو فعل؛ بنابراین از این دیدگاه :

جمله مستقل بر دو نوع است :

۱) جمله ساده که یک فعل دارد : علی آمد. حسین کتابش را به شما داده است.

۲) جمله مرکب که بیش از یک فعل دارد : می ترسیدم که به اتوبوس نرسم.

فعالیت

جمله‌های مستقلی مثال بزنید که دو یا چند فعل داشته باشد.

جمله مرکب معمولاً از یک جمله هسته و یک یا چند جمله وابسته تشکیل می‌شود. بخشی از جمله مرکب که پیوند وابسته‌ساز دارد، جمله **وابسته** (پیرو) است و بخشی که پیوند وابسته‌ساز ندارد، **هسته** (پایه) است.

پیوندهای وابسته‌ساز عبارت‌اند از :

که، تا، چون، اگر، زیرا، برای این که، به طوری که، زیرا که، هنگامی که...

که در ساختمان جمله‌های مرکب بیش از همه **پیوندهای وابسته‌ساز** کاربرد دارد و گاه وجود آن اختیاری است :

می دانستم (که) می‌آیی.

به این جمله مستقل دقت کنید : «ما رفتیم که او را ببینیم».

در این جمله مستقل، نه «ما رفتیم» جمله مستقل است، نه «او را ببینیم»؛ زیرا هر دو،

جزئی از یک واحد بزرگ‌ترند : در حالی که «ما رفتیم» به تنهایی می‌تواند خارج از این جمله یک جمله مستقل باشد. پس :

جمله هسته : جمله‌ای است که دارای یک یا چند جمله وابسته باشد.

جمله وابسته : جمله‌ای است که دارای پیوند وابسته‌ساز باشد.

در جمله مرکب، هیچ یک از دو جمله **هسته** (پایه) و **وابسته** (پیرو)، جمله مستقل نیست.

جمله وابسته را از پیوند وابسته‌ساز همراه آن تشخیص می‌دهیم :

۱) اگر دنیا از متملق خالی شود از متکبر و خودکامه نیز خالی خواهد شد.

جمله هسته	جمله وابسته	پیوند وابسته ساز
_____	_____	_____
جمله هسته	جمله وابسته	پیوند وابسته ساز

۲) تا از جان و دل نکوشیم به آزدگی و سرافرازی نخواهیم رسید.

جمله هسته	جمله وابسته	پیوند وابسته ساز
_____	_____	_____
جمله هسته	جمله وابسته	پیوند وابسته ساز

۳) شنیده اید که علی از مسافرت آمده است؟

جمله هسته	پیوند وابسته ساز	جمله وابسته
_____	_____	_____
جمله هسته	پیوند وابسته ساز	جمله وابسته

۴) باید سخت کوش باشیم زیرا که خوش بختی در گرو سخت کوشی است.

جمله هسته	پیوند وابسته ساز	جمله وابسته
_____	_____	_____
جمله هسته	پیوند وابسته ساز	جمله وابسته

۵) کتابی را که دوست داشتیم، خریدم.

جمله هسته	پیوند وابسته ساز	جمله وابسته
_____	_____	_____
جمله هسته	پیوند وابسته ساز	جمله وابسته

جمله وابسته می تواند پیش از جمله هسته یا پس از آن یا در میان آن بیاید.

اگر یکی از پیوندهای «اما، ولی، و، یا» بین دو جمله بیاید، جمله مرکب ساخته نمی شود؛ چون این پیوندها همپایه ساز هستند.

جمله هایی را که با پیوندهای همپایه ساز به هم می پیوندند، جمله های همپایه می نامیم.

جمله های همپایه جمله های مستقلی هستند که با پیوند همپایه ساز به هم مربوط شده اند

و هیچ یک جزئی از جمله دیگر نیست؛ مانند :

علی (ع) از صورت یک فرد بیرون است و به صورت یک مکتب موجود است.

بیاموزیم

کدام گروه از کلمات زیر درست‌تر است؟

الف) آباد، آسیا، ابزار، مصراع، جارو، همیزیه، همان

ب) آبادان، آسیاب، افزار، مصرع، جاروب، جهاز، میمان

این دو گروه کلمه در جمله می‌توانند جانشین یکدیگر شوند؛ یعنی در جمله ارزش یکسان دارند. تفاوت موجود میان جفت واژه‌ها غالباً تفاوت سبکی است و بر ساخت و بافت جمله تأثیری نمی‌گذارد. اما بدان شکل قدیمی‌تر یا ادبی‌تر می‌دهد؛ مثلاً صورت‌های میمان، جاروب و آسیاب نسبت به موارد مشابه خود باستانی‌ترند و صورت‌های درازا، آشکارا و نومید از درازی، آشکار و ناامید ادبی‌تر هستند.

اکنون به گروه‌های دیگری از این کلمات توجه کنید:

الف) آشیان، رخسار، روزن، پیرامون، جاودان، شاد، همواره، شادمان.

ب) آشیانه، رخساره، روزنه، پیراهن، جاودانه، شادان، هماره، شادمانه.

خودآزمایی

۱) در جمله‌های مرکب زیر، جمله‌هسته و جمله وابسته را مشخص کنید :

□ چون هوا سرد شده بود، ماشین روشن نشد.

□ ما می‌دانستیم شما می‌آیید.

□ مشکل بود که آنها از رودخانه بگذرند.

□ عجله کردم که به قطار برسم.

□ هنگامی که کلید را زدم، اتاق کاملاً روشن شد.

□ او از کاری که کرده است، پشیمان خواهد شد.

□ آمده‌ام تا شما را به عروسی دعوت کنم.

□ چون از تأخیر قطار خیر داشتیم، عجله نکردیم.

۲) این جمله‌ها را کامل کنید و وابستگی آنها را با نمودار پیکانی نشان دهید :

- اگر ... ، ...
- چون ... ، ...
- ... که ...
- ... برای اینکه ...
- تا ... ، ...
- ... تا ...
- من که ... ، ...
- (۳) کدام یک از جمله‌های زیر، مرکب نیست؟ چرا؟
- ... (که) ...
- ... اما ...
- ... زیرا ...
- ... یا ... ؟
- اگر ... ، ...
- در صورتی که ... ، ...
- ... تا ...
- چون ... ، ...
- ... و ...

۴) با مراجعه به فرهنگ لغت بگویید آیا بین جفت واژه‌های زیر تفاوت معنایی وجود دارد؟ توضیح

دهید.

الف) کران، آواز، شکیب، چهره، خارا، کنار، روان
 ب) کرانه، آوازه، شکیبایی، چهره، خاره، کناره، روانه